

# مفرد و جمع در نمایه‌سازی

فصلنامه اطلاع‌رسانی. دوره ۱۶، شماره ۲

نوشته: دکتر سیدمه‌دی سمایی

عضو هیئت علمی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

## کلیدواژه‌ها

نمایه‌سازی شمار جمع مفرد اسامی شمردنی

## چکیده

برخی اسم‌ها را اسم جنس می‌نامند. اسم جنس نام طبقه‌ای از اسامی است که هر یک از اعضای آن نامی جداگانه دارند. یکی از نشانه‌های اسم جنس در زبان انگلیسی استفاده از پسوند "s" است. در زبان فارسی اسم جنس را بدون نشانه‌ی صوری به کار می‌برند. از این رو بهتر است که کلیدواژه‌ها در زبان فارسی بدون نشانه‌ی جمع و به صورت مفرد نوشته شوند. مواردی نیز هست که نمی‌توان در آن حالت‌ها از کلیدواژه مفرد استفاده کرد. از جمله این موارد یکی مصطلح بودن ترکیب در نزد اهل فن و متفاوت بودن معنای کلمه مفرد با کلمه جمع، و مهجور بودن صورت مفرد است. گاهی نیز ترکیب مفروض شامل طبقه‌ای از مصادیق است که در این حالت نیز به کار بردن صورت جمع جایز است. نوع پسوند جمع‌ساز نیز در مصطلح کردن ترکیب مؤثر است.

## مفرد و جمع در نمایه‌سازی

شمار (۱) مقوله‌ای دستوری و جزئی از ویژگی‌های اسامی شمردنی است. در مقابل اسامی شمردنی به اسامی دیگری می‌توان قائل شد که به صورت توده‌ی جدانشدنی و در نتیجه ناشمردنی هستند. شیوه‌ی عرضه‌ی این ویژگی اسامی از زبانی به زبان دیگر متفاوت است. در محدوده‌ی اسامی شمردنی می‌توان یک جاندار یا شیء یا مفهوم واحد را با نشانه‌ی شمار از چند مقوله از همان نوع متمایز کرد، یعنی یک تقابل دوگانه — یک در مقابل چند — به وجود آورد. از شمار می‌توان برای تقابل بین یک واحد از هر مقوله در مقابل دو یا چند یا چندین واحد از همان مقوله استفاده کرد. یعنی به تثنیه (۲) و جمع سه‌گانه (۳) و جمع چندگانه (۴) قائل شد. در زبان‌های دارای این گونه شیوه‌ی جمع بستن، نشانه‌های جداگانه‌ای برای دو مقوله و سه مقوله و چند مقوله وجود دارد.

ابزار تقابل یک اسم شمردنی با بیش از یک اسم شمردنی، یا وندافزایی است یا افزودن عدد قبل از اسم، یا تغییر در ساختار داخلی کلمات. گاهی نیز مفهوم تعدد در معنای کلمه نهفته است. افزودن «ان» و «ها» در زبان فارسی و «s» در زبان انگلیسی و فرانسوی نمونه‌هایی از افزودن وند برای جمع بستن هستند. تغییر man به men و foot به feet در زبان انگلیسی نیز نمونه‌هایی از جمع بستن از راه تغییر در ساختار کلمات هستند.

مفهوم جمع در کلماتی نظیر مردم و خلق و سپاه نیز در مفهوم کلمه مستتر است. به این کلمات اسم جمع (۵) می‌گویند. در بعضی از زبان‌ها اسم جمع با وندافزایی نیز ساخته می‌شود. در زبان فرانسوی valet (نوکر) را با افزودن پسوند "aille" می‌سازند: valetaille (گروهی نوکر).

در بعضی زبان‌های سامی، جمع چندگانه با پیشوند و تغییر در ساختار داخلی کلمه ساخته می‌شود. اسب را در این زبان‌ها faras می‌گویند و به چند اسب pafra و به اسبها pafresam.

علاوه بر آن که شیوه‌ی عرضه‌ی مقوله‌ی شمار در زبان‌ها متفاوت است و در مواردی کاربرد آن نیز متفاوت است، این تفاوت گاه باعث ایجاد مشکلاتی در نمایه‌سازی می‌شود و در نتیجه در کار جستجوی کلیدواژه‌ها و اطلاع‌رسانی اختلال ایجاد می‌کند.

در این مقاله پس از بررسی اجمالی شیوه‌های جمع بستن اسامی در زبان فارسی و موارد استعمال آنها، به مشکلات استفاده از آن در نمایه‌سازی می‌پردازیم.

## نشانه‌های جمع در زبان فارسی

### ۱. جمع در فارسی میانه

نشانه جمع در فارسی میانه «-ان» است که به انتهای اسم یا صفت جانشین اسم می‌چسبد و لفظی مانند *artēš tar* (جنگ‌جو) را به *artēš taran* تبدیل می‌کند. این پسوند را بازماندهٔ جزء صرفی *ānan* در فارسی باستان می‌دانند که به اسامی‌ای که ریشهٔ آنها مختوم به "ā" بودند ملحق می‌شده است:

(شاه شاهان) *xsayaθianam* → *xsayaθānām*

### ۲. جمع در فارسی دری

در فارسی دری که زبان فارسی معاصر امتداد آن است، برای جمع بستن جانداران و رستنی‌ها و گیاهان و اجرام آسمانی و نام اوقات و زمان‌ها و برخی کلمات عربی قرض گرفته در فارسی و برخی اسم‌های معنی و اندام‌های جفت بدن، از پسوند «-ان» استفاده می‌کرده‌اند: شتران، درختان، سروان، رخان، اختران، غمان، سوگندان، بهاران، نزدیکان، سحرگاهیان، مشرکان. گاهی نیز جمع‌های عربی به کار می‌رفته که این جمع‌ها، بیش‌تر صورتهایی هستند که در عربی در حالت نصب و جر می‌آیند: مؤمنین، بیهقیون، مهاجرین. همچنین جمع‌های مگسر عربی نظیر ضعفا و حکما و فلاسفه، و جمع‌های عربی همراه با نشانهٔ جمع فارسی مانند احوال‌ها و اخبارها در قرن چهارم و پنجم هجری رایج بوده‌اند. بنابراین از «-ها» نیز برای جمع بستن استفاده شده است. هر چند که در معدودی از آثار دورهٔ میانه نیز از این پسوند برای جمع بستن استفاده کرده‌اند، اصل آن مشخص نیست و بندرت آن را به کار برده‌اند و به عقیدهٔ برخی، از زبان اوستایی و زبان‌های ایرانی شرقی نظیر سغدی وارد زبان فارسی میانه شده است.

اسم‌های مفردی که به تالی تأنیث ملفوظ یا غیرملفوظ ختم می‌شده‌اند با «-ات» جمع بسته شده‌اند. کلماتی نظیر حالت و کرامت و طبقه از این دسته‌اند.

برخی اسم‌ها که بیش‌تر مربوط به ترجمهٔ آیات یا متون علمی‌اند و در عربی به صیغهٔ تثنیه ادا می‌شوند نیز به همان صورت به کار می‌رفته‌اند: عارضین، زلفین، نعلین، لوزتین.

### ۳. جمع در فارسی معاصر

در گونهٔ فارسی امروز علاوه بر «-ان» و «-ها» از «-ات» نیز استفاده می‌شود. کلمات با ریشهٔ عربی اغلب با «-ات» جمع بسته می‌شوند. ولی بسیاری از کلمات قرضی عربی را نیز با «-ها» و «-ان» جمع می‌بندند. پسوند «-ات» نیز برای جمع بستن برخی کلمات فارسی استفاده می‌شود. برخی چنین استدلال می‌کنند که چون این پسوند به کلمات مختوم به واکه از قبیل /i/ و /ɒ/ و /e/ می‌پیوندند، بنابراین پسوندی مرکب از همخوان میانجی یعنی «ج» به اضافهٔ «-ات» است. و «ج» برای سهولت تلفظ بین دو واکه به کار رفته است. به عقیدهٔ این نگارنده پسوند «-ات» از نظر گویشوران بومی فارسی تجزیه‌پذیر نیست. از این پسوند برای اشاره به انواع استفاده می‌کنند.

برخی اسامی عربی نیز به صورت نامنظم و بی‌قاعده جمع بسته می‌شوند. اسامی عربی اغلب ریشه‌های همخوان بنیاد دارند و برای جمع بستن آنها، واکه یا همخوان را به ریشه اضافه می‌کنند. هم صورت مفرد و هم جمع این کلمات وارد فارسی شده‌اند. رابطهٔ مفرد و جمع این کلمات عاریتی را در بیش‌تر موارد می‌توان تا حدی از شکل آوایی و معنای آنها دریافت.

گاهی رابطهٔ آوایی صورت مفرد و جمع این گونه اسامی چندان واضح نیست، ولی رابطهٔ معنایی هنوز پایدار مانده است: ارواح/روح، سواحل/ساحل، حوادث/حادثه، انواع/نوع. گاهی صورت مفرد و جمع عربی در فارسی باقی مانده، ولی تمایز مفرد و جمع از بین رفته است: احوال/حال.

در پاره‌ای موارد نیز رابطهٔ آوایی مفرد و جمع را می‌توان از ظاهر آنها دریافت، ولی معنای صورت جمع با معنای صورت مفرد

تفاوت پیدا کرده است: اسباب/سبب.

## شیوه کاربرد شمار در نمایه‌سازی

آنچه که در عالم زبان با مقوله شمار نشان داده می‌شود لزوماً با مصادیق آن در عالم خارج تطابق ندارد. یعنی چنین نیست که اسامی دارای نشانه جمع ضرورتاً چندین مصداق در عالم واقع داشته باشند و اسم‌های بدون نشانه جمع هم همواره مربوط به یک مصداق واحد باشند. دلایلی چند برای اثبات این نکته هست.

اولاً تمامی اسامی دارای نشانه جمع را نمی‌توان تجزیه‌پذیر و شمردنی دانست. آب یک توده تجزیه‌ناپذیر و غیرقابل شمردن است، در حالی که به کاربردن جمله‌هایی مانند «همه آب‌ها خشک شد» رایج و معمول است. ثانیاً مصادیق وا حد در عالم واقع، صورت‌های متفاوتی در زبان‌های مختلف دارند. مثلاً قیچی (ciseaux) در زبان فرانسوی جمع است، ولی در فارسی مفرد؛ برعکس، شلوار در زبان انگلیسی به صورت جمع به کار می‌رود (trousers) و لی در زبان فرانسوی مفرد است (pantalon). ثالثاً مصادیقی تقریباً مشابه در زبانی واحد، از لحاظ شمار متفاوت هستند: در زبان انگلیسی oats (جو) را به شکل جمع به کار می‌برند ولی wheat (گندم) را به صورت مفرد.

بنابراین، شمار پدیده‌ای است که غالباً در محدوده زبان رخ می‌دهد و تعریف آن بر اساس واقعیات عالم خارج و اصرار بر یافتن مصادیق آن در عالم واقع، به تناقض می‌انجامد.

مسئله ثبت کلیدواژه‌ها به صورت مفرد یا جمع در کار نمایه‌سازی نیز جدا از ویژگی‌های پدیده شمار در زبان‌ها نیست. چنان که ملاحظه شد، اولاً شمار را باید در عالم زبان بررسی و تحلیل کرد و ثانیاً، شکل این پدیده از زبانی به زبان دیگر متفاوت است. ثبت کلیدواژه‌ها به شکل مفرد یا جمع را می‌توان از پیامدهای ویژگی‌های مذکور دانست.

برخی اسم‌ها را اسم جنس (۶) می‌نامند. اسم جنس نام طبقه‌ای از اسامی است که هر یک از اعضای آن دارای نامی جداگانه‌اند. «درخت» یک اسم جنس است که شامل بید مجنون و تبریزی و سرو است. یکی از راه‌های نشان دادن اسم جنس در زبان انگلیسی، استفاده از شکل جمع آن است. در زبان فارسی این نوع اسم را بدون نشانه جمع یا وابسته‌هایی نظیر حروف تعریف نشان می‌دهند. همچنان که در جمله «پرنده آشیانه می‌سازد» لفظ پرنده مفرد است، اما بر همه پرندگان عالم دلالت می‌کند.

بنابر چنین استدلالی بهتر است که در نمایه‌سازی زبان فارسی اسامی مفرد کلیدواژه شوند و شکل مفرد مبنا قرار گیرد. اما از طرفی به کاربردن کلیدواژه‌های مفرد نیز باید تابع ضوابطی باشد. بدین معنا که در مواردی، استفاده از شکل جمع اسامی بر انتخاب صورت مفرد آنها ترجیح دارد. «نعمت‌زاده» (۱۳۷۴) با همین دیدگاه، کلیدواژه‌های موجود در بانک‌های مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران را بررسی و آنها را به سه دسته (یک و دو و چندواژه‌ای) تقسیم کرده و پیشنهادهایی عرضه کرده است: (۷)

الف. از صورت مفرد در کلیدواژه‌های یک واژه‌ای استفاده شود، جز در مواردی که صورت جمع رایج است.

ب. در ساخت‌های اضافه دارای صفت و موصوف، جزء دوم یعنی صفت با نشانه جمع بیاید.

ج. در کلیدواژه‌های دو واژه‌ای از صورت مفرد استفاده شود.

د. در صورت وجود نابهنجاری در شکل مفرد کلیدواژه‌های دو واژه‌ای، هسته ساخت اضافه تغییر کند.

چنان که ملاحظه شد، به کاربردن کلیدواژه‌های مفرد باید تابع ضوابطی باشد. بدین معنا که در مواردی استفاده از شکل جمع اسامی بر انتخاب اسامی مفرد مرجح است. در این قسمت چند مورد که در آنها استفاده از کلیدواژه مفرد جایز نیست با ذکر مثال عرضه می‌شود:

۱. از آنجا که کلیدواژه‌ها در زبان تخصصی (۹) به کار می‌روند و در بین اهل فن رایج و جاری‌اند، گاه اتفاق می‌افتد که صورت جمع مرسوم باشد. در این حالت بهتر است که از صورت جمع استفاده شود. نظیر ترکیب آثار باستانی (antiquities).

این اصطلاحات ممکن است وارد زبان عموم نیز بشوند و کاربرد عام پیدا کنند و این نیز خود دلیل دیگری برای تثبیت صورت جمع آنها گردد. این گونه اصطلاحات را می‌توان به سنت موجود در زبان تخصصی، یا سنت مشترک موجود در زبان تخصصی

و مردم مربوط دانست. اصطلاحی نظیر ارتباطات نظامی (military communications) از این دست است. نکته‌ای که در این باره ذکر کردنی است، شیوه جمع بستن اسامی در این موارد است. بدین معنا که گاهی نوع پسوند جمع یا شیوه جمع بستن باعث می‌شود که اصطلاح به دست آمده، با سنت رایج در حوزه تخصصی منطبق نباشد. مثلاً چنانچه لفظ اثر با «ها» جمع بسته و ترکیب اثرهای باستانی ساخته شود، با اصطلاح رایج اهل فن متفاوت خواهد بود. به علاوه این که در برخی موارد، شیوه جمع بستن باعث تفاوت در معنا می‌شود. «اثرها» در برخی بافت‌ها معادل «آثار» نیست. «آثار» در ترکیب با «باستانی» شامل خرابه‌ها و بناها و اشیای به جا مانده از زمان قدیم می‌شود، در حالی که از لفظ «اثرها» بیش‌تر معنای ردّ و نشان تداعی می‌شود و معنای آن به معنای لفظ انگلیسی trace نزدیک‌تر است. همین استدلال را به گونه‌ای دیگر در مورد اصطلاح «اثرهای سردی» (cold effects) می‌توان کرد. «غدد فوق کلاویوی» (adrenal glands) نیز نمونه دیگری از این دست است: اولاً صورت جمع آن مصطلح است و ثانیاً جمع «غده» بهتر است که طبق قاعده زبان عربی به شکل مکسر باشد.

۲. گاهی صورت مفرد کلمه، معنایی متفاوت از معنای جمع دارد. این مسئله اغلب در کلمات عربی مصطلح در فارسی وجود دارد. ترکیب «مصالح راه‌سازی» (roadbuilding materials) از این دست است. «مصالح» به معنای مواد لازم برای ساختن بنا است، در حالی که معنای صورت مفرد آن یعنی «مصلحت» — به نقل از فرهنگ معین — از این قرار است: «آنچه که صلاح و سود شخص یا گروهی در آن باشد».

۳. در مواردی با این که صورت مفرد و جمع کلمه، معنایی مشترک دارند استعمال صورت مفرد در زبان رایج نیست. به همین علت ترکیب‌هایی نظیر «منسوجات نظامی» (military textiles) و «الیاف کربنی» (carbon fibers) را نمی‌توان به شکل مفرد آورد و به جای منسوجات لفظ «منسوج» و به جای الیاف لفظ «لیف» را قرار داد.

۴. در برخی واژه‌ها، صورت جمع توسعه معنی پیدا کرده و از این طریق، ارتباط صورت جمع و مفرد ضعیف شده است. در واژه‌ای نظیر «مهمات» (ammunition) این اتفاق رخ داده و ارتباط «مهمات» با «مهم» از این دست است. «مهمات» توسعه‌اً به معنی ابزار جنگیدن نظیر گلوله و خمپاره و موشک و از این دست شده و لایه‌های معنایی جدیدی پیدا کرده و ارتباط آن با «مهم» ضعیف شده است. «عملیات زمینی» (ground operations) نیز ترکیبی از همین قبیل است.

۵. بعضی ترکیب‌ها نظیر «ماشین‌آلات» (machinery) وجود دارند که نه تنها نمی‌توان قسمت جمع آنها را به شکل مفرد آورد، بلکه در مجموع، یک واحد نحوی ایجاد می‌کنند که از لحاظ معنایی تجزیه‌ناپذیر است. اسامی در زبان فارسی دارای تکیه هستند، ولی در این ترکیب‌ها دو جزء ساخت اضافه — که هر یک خارج از ترکیب یک اسم، مستقل‌اند — یک تکیه مشترک دارند و به همان صورت در واژگان گویشوران بومی زبان جا می‌گیرند. از این دست ترکیب‌ها در زبان محاوره بسیار است: چادر نماز، آب گرم، راننده تاکسی، دختر شیرازی.

۶. گاهی هم اتفاق می‌افتد که جمع اسم با قاعده فارسی، در زبان مصطلح نیست و جمع عربی آن رایج است. بدیهی است که در این حالت چنانچه اسم مذکور، کلیدواژه شود یا در ترکیبی به کار رود و نتوان از صورت مفرد آن استفاده کرد، باید شکل جمع عربی آن را به کار برد. در ترکیب «جزء (اجزای) پل» (bridge components) نمی‌توان به جای «اجزا» لفظ «جزءها» را به کار برد.

چنانکه ملاحظه می‌شود، شیوه جمع بستن در تمامی موارد ذکر شده با قاعده عربی است.

۷. در مواردی اصطلاحات دارای مصادیق گروهی هستند و شامل طبقه‌ای از عناصر می‌شوند. «بی‌صدفان» (aplacophores) و «نابالان» (zoraptera) و «بلمنیت‌ها» (blemnites) نمونه‌هایی از این دسته اصطلاحات‌اند. جمع نوشتن این گونه اصطلاحات نیز ریشه در سنت اهل فن دارد.

۸. همان گونه که مشاهده شد با وجود اصل قرار دادن صورت مفرد، ناچار باید در برخی حالات از شکل جمع استفاده کرد. همچنین ملاحظه شد که نوع پسوند جمع نیز در انتخاب کلیدواژه مؤثر است و گزیدن پسوندی خاص، گاهی اجباری و گاهی اختیاری است. آنچه در پایان ذکر کردنی به نظر می‌رسد این است که برای جمع بستن اسامی لاتین استفاده از پسوند «ها» مرجح است: «کربامات‌ها» (carbamates)، «منگنز سیانیدها» (manganese cyanides).

## خلاصه مقاله

پس از توضیحی درباره مقوله شمار و ابزار عرضه آن در زبان‌ها، نشانه‌های آن در زبان فارسی بررسی و موارد کاربرد آن مشخص شد. سپس به نحوه کاربرد آن در نمایه‌سازی پرداخته و پیشنهاد شد که صورت مفرد، اصل و مبنا قرار گیرد. در بخش پایانی مقاله به مواردی اشاره گردید که بناچار باید از شکل جمع استفاده کرد، یا استفاده از صورت جمع در آنها مرجح است.

## پی‌نوشت‌ها

1. number
4. paucal
2. dual
5. collective
3. trial
6. generic

۷. نعمت‌زاده، شهین، ۱۳۷۴. نکته‌هایی در باب استفاده از صورت مفرد در کلیدواژه‌های یک‌واژه‌ای و دوواژه‌ای، گزارش منتشر نشده داخلی در مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

## 8. Jargon

## منابع

- ثمره، یدالله، ۱۳۷۸. آواشناسی زبان فارسی، مرکز نشر دانشگاهی. خانلری، پرویز ناتل، ۱۳۶۵. تاریخ زبان فارسی، ج ۳، نشر نو. ماهوتیان، شهرزاد، ۱۳۷۸. دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ترجمه مهدی سمائی، نشر مرکز.
- Crystal, D. 1997. Dictionary of linguistics and phonetics , Blackwell.
- Crystal, D. 1992. Encyclopedic dictionary of language and language , Blackwell.
- Dubois, J. 1973. Dictionnaire de la linguistique , Larousse.
- Kent, R.G. 1950. Old Persian, New Haven.
- Palmer, F. 1971. Grammar, Penguin books.
- Trask, R.L. 1993. A dictionary of grammatical terms in linguistics, Routledge.